

شماره تماس: 021-88400000-830  
 آدرس: تهران، خیابان ولیعصر، پلاک ۱۰۰  
 وبسایت: www.kanarya.com  
 شماره تلفن: 021-88400000-830  
 آدرس: تهران، خیابان ولیعصر، پلاک ۱۰۰  
 وبسایت: www.kanarya.com

## خطاهای نویسندگی و تجربیات نویسندگی

یکی از رمان‌هایی که در زمینه داستان‌نویسی شروع به بررسی کردم نگاشته بود که متوجه شدم برخی خطاها در آثار هنرجویان مشترک است. هرچه در کتاب‌های آموزشی داستان‌نویسی شهر کرده‌ام اثری درباره این خطاها نیافتم که به هنرجویان برسد. نویسندگی بتوانم معرفی کنم. پس به سراغ کتاب‌های آموزشی داستان‌نویسی خارجی رفتم. پس از جست‌وجوی فراوان متوجه شدم که فقط یکی دو نمونه خارجی که از قضا ترجمه هم شده بودند، وجود داشتند. به مطالعه آن‌ها پرداختم. خطاهای تکرار شده در آن کتاب‌ها است که بیش از آن، بیشتر از تعداد

**مهدی رضایی**

مورد خطای نویسندگی را شناسایی کرده‌ام. فصلان و جوی و گلشن و بستان و لیلی و حبه و راه و گلشن و چمن و لاله و لاله‌ها می‌تواند حس کردم. اوایل سال ۹۱ ملی‌گردد. برای ضرورت به دیدار آقای علی دهجانی رفتم. و این مسئله را مطرح کردم. ایشان با کمال میل این مسئله مهمی است که به آن توجه نشده است و در پاسخ گفت: «بسیار خوب. من هم می‌توانم کمک کنم». ایشان مانند نویسندگان دیگر کشورها تلاش می‌کنند تا با کمال میل خود را در قالب کتاب در اختیار نویسندگان جوان تر قرار دهند. گفت: شاید در ایران نیاز است که کسی این تجربیات را گردآوری کند. [www.kanarya.com](http://www.kanarya.com) بکنند. خود تو که



انتشارات آرادمان

## پیش‌گفتار

### بخش اول: خطاهای نویسندگی

تمام نکاتی که در کتاب از آن زیر عنوان «خطاهای نویسندگی» یاد می‌شود، حاصل تجربیات نزدیک به دو دهه فعالیت در کارگاه‌های مختلف داستان‌نویسی و مطالعه در این زمینه از نویسندگان و استادان مختلف است؛ آموخته‌هایی مغتنم که با تحلیلی مبسوط در کتاب ارائه شده است. بنابراین بدون هیچ‌گونه ادعایی در امر نویسندگی یا تدریس آن، در لوای هنرجویی علاقه‌مند به ادبیات، این تجربه ارزشمند را در اختیار جویندگان مشتاق قرار می‌دهم.

در شروع تحقیق، عمده تلاشم در جهت یافتن منابع معتبر داخلی و خارجی بود، اما به‌غیر از یکی دو کتاب خارجی، که در آن‌ها اشاره‌هایی محدود به موضوع مورد نظر من شده بود، مطالب چشمگیری به دستم نرسید و همین خلاء، باعث ترغیب جدی من برای پرداختن به موضوع خطاهای نویسندگی شد.

مطالعات نشان می‌دهد که در همه عرصه‌ها، بهترین شیوه برای قدم نهادن در مسیر اشتباه گذشتگان، شناسایی اشتباه‌های آن‌هاست. در عرصه نویسندگی در ایران، نویسندگان باتجربه بسیاری دیدم که هراس زیادی در بیان راه‌های رفته اشتباه و روش بیرون آمدن از آن داشتند. این درحالی است که در سایر کشورها، نویسندگان در مصاحبه‌هایشان به راحتی به بیان ضعف‌ها و چگونگی برطرف کردن آن‌ها می‌پردازند.



با همه محدودیت‌ها، تألیف موجود که برگرفته از تجربیات نویسندگان پیشکسوت در عرصه ادبیات ایران و جهان است، در اختیار شما گذارده می‌شود. باشد که راه‌های نرفته را آزمون و خطا کنیم؛ نه راه‌های هزاربار رفته را، و امیدوارم این کتاب، فضای مناسبی در جهت دریافت تجربیات بیشتر فراهم کند.

### بخش دوم: تجربیات نویسندگی

این بخش شامل ۱۵ مصاحبه با نویسندگان مطرح ایرانی درباره تجربیات‌شان در عرصه نویسندگی است. همان‌طور که در یادداشت رنجامه این تحقیق هم عنوان کردم، نویسندگان بسیاری را در برنامه مصاحبه گنجانده بودم که بنا بر دلایل ذکرشده و انصرافِ عده‌ای دیگر به‌خاطر مشغله کاری و... میسر نشد. تعدادی از نویسندگان عزیز در پایان مصاحبه‌ها اذعان داشتند، در طول سابقه هنری‌شان با چنین سوالات جامع و کاملی درباره نویسندگی مواجه نشده بودند.

اظهارات دلگرم‌کننده‌ای از این دست، انگیزه ادامه دادن راه بود. اکنون، هر آنچه که بود، مهم نیست و آنچه هست، تقدیم به علاقه‌مندان عرصه نویسندگی.

## یک: خودشناسی

خودشناسی، مسئله‌ای نیست که فقط مختص به نویسندگی و داستان‌نویسی باشد؛ بلکه مسئله‌ای برای همه انسان‌ها و برای تمام جنبه‌های زندگی است. ضرورت خودشناسی برای نوشتن، این است که یک نویسنده باید در مرحله اول، نسبت به خود، تفکرات و اهدافش شناخت داشته باشد. در غیر این صورت، چه تفکر و هدفی را باید در اثرش دنبال کند؟

شاید بتوان گفت، بی‌هدفی و نداشتن تفکر و درون‌مایه مناسب در بعضی آثار، نشأت گرفته از فقدان خودشناسی است. دنباله‌روی دیگران، نویسنده را به جایی نمی‌رساند. هنرمند، برای خلق اثر باید خودش باشد. اگر شبیه دیگران باشید که دیگر شما، شما نیستید و دیگرانید و دیگران هم که بوده و یا هستند، پس چه نیازی به شماست. اگر می‌خواهید نویسنده خوبی باشید، باید تفکرات و ایده‌های خود را در وهله اول به‌خوبی شناسایی کنید و بعد یاد بگیرید که چگونه به‌خوبی ارائه کنید و این نیازمند تلاش و مطالعه بسیار است. این بدان معنا نیست که به تفکرات دیگران توجهی نشود. هر انسانی برای خودشناسی نیازمند مطالعه و تحقیق است. کنکاش رفتارهای درونی و بیرونی همه و روانشناسی فردی، تعامل با دیگران و بیان تفکرات، راه‌های خوبی برای خودشناسی است. گاهی انسان باید خود را در آینه دیگران ببیند و بشناسد و گاهی نیاز است که خود را در آینه خود ببیند.

و البته این قدم اول کار آسانی نیست و از این شعر مولانا بهتر می‌توان درک کرد. او که عمری را صرف خودشناسی کرده است، باز چنین می‌سراید که:

روزها فکر من این است و همه شب سخنم / که چرا غافل از احوال دل خویشتنم  
از کجا آمده‌ام، آمدنم بهر چه بود / به کجا می‌روم، آخر نمایم وطنم /



مانده‌ام سخت عجب کز چه سبب ساخت مرا / یا چه بود است مراد وی از این ساختنم و جمالتی دیگر از بزرگان نیز نشانه‌ای بر سختی این قدم اول و بزرگ است؛ قدمی آن چنان بزرگ که مقدمه خداشناسی را هم خودشناسی می‌دانند.

بنجامین فرانکلین می‌گوید: «سه چیز خیلی سخت است: فولاد، الماس و خودشناسی» و البته این سختی و تلاش، به محدوده زمانی مشخصی ختم نمی‌شود. در این باره ریچارد باخ می‌گوید: «تو نیاز داری که به شناختن خود ادامه دهی؛ هر روز کمی بیشتر از روز پیش.» پس خودشناسی باید کار هر روزه ما باشد. در واقع ما هر روز باید خودمان را هم مطالعه کنیم. گفته زیبایی دارد که: «خودشناسی دارای پیشینه دراز به اندازه تاریخ بشری است و با زندگی بهتر آغاز شده است. انسان بدون خودشناسی، انسانیت را نشناخته است.» و این جمله حضرت علی (ع) گویای ضرورت خودشناسی در هر جنبه‌ای است که می‌فرمایند: «هر که خود را نشناخت، هیچ چیز را نشناخت.»

آن‌ها که به صورت حرفه‌ای اهل مطالعه هستند، در واقع جویای اندیشه نویسنده و مواجهه با دنیای جدیدی هستند. آن‌ها می‌خواهند با کنکاش‌های درونی نویسنده، در دل داستان آشنا بشوند. می‌خواهند بدانند اندیشه نویسنده در یک اثر چگونه به تحریر در آمده است و آن اندیشه چگونه و چقدر می‌تواند دنیای آن‌ها را متحول کند.

به هر حال، خودشناسی به تنهایی، دنیایی از تلاش را می‌طلبد. در همین مبحث اول بدانید که قرار نیست این نکته‌ها دقیقاً مسائل را به شما آموزش دهد. بلکه فقط تلنگری است که راه را بهتر و مشخص‌تر دنبال کنید. پس شاید بتوان گفت که بزرگترین خطای یک نویسنده این است که بدون شناخت از خود، دست به قلم ببرد.

## دو: جهان‌شناسی و تجربه زیستی

جهان‌شناسی نه به این معنا که کل جهان و مافی‌های آن همچون محقق، مورد شناسایی قرار داده شود. اما هر انسانی حداقل دارای دو جهان است؛ یک جهان عمومی و یک جهان فردی.

درباره جهان فردی باید گفت که، هر فردی دارای دنیای متفاوتی نسبت به دیگران است. به تعداد همه انسان‌ها، جهان فردی وجود دارد. در راستای مرحله خودشناسی، باید بدانیم در کدام جهان عمومی و کدام جهان فردی زندگی می‌کنیم. در واقع جهان ذهن و تفکر ما چیست و هدف ما از زندگی و خلق هنر به کجا منتهی می‌شود؟ آیا حرفی که می‌خواهیم بزنیم از جهان فردی ما بروز می‌کند یا جهان عمومی و اگر درونمایه از جهان فردی ما و یافته‌ها و کشف و شهودمان بروز می‌کند، آیا چنین درونمایه‌ای درخور بیان و درخور ادبیات هست یا خیر؟

در واقع خودشناسی و جهان‌شناسی لازم و ملزوم یکدیگرند. این مسئله، یعنی شناخت زندگی، و پیدا کردن راه و روش درست نوشتن و حتی درست زندگی کردن. و اگر این جهان‌شناسی نه صرفاً از طریق مطالعه، که از طریق تجربه به دست بیاید که چه توانایی ارزشمندی در قلم نویسنده خواهد شد. به این جمله «تجربه، بالاتر از علم است» هم همگان اعتقاد دارند.

یکی از دلایلی که آثار همینگوی را قدرتمند جلوه می‌دهد، این است که او دست به قلم نمی‌برد؛ مگر چیزی را که می‌نوشت، به‌شخصه تجربه کرده باشد. اگر «وداع با اسلحه» را می‌نویسد و این رمان شاخص جنگی را خلق می‌کند، خودش در جنگ نیز حضور داشته است. اگر فضای پیرمرد و دریا چنین ملموس است، به خاطر تجربه زیستی او به عنوان یک ماهیگیر در دریاست. اتفاق جالبی هم که در زمان نوشتن پیرمرد و دریا برای همینگوی رخ می‌دهد، این است که او در هنگام نوشتن این رمان، حالش بد می‌شود و او را به مطب می‌برند. پزشک بعد از معاینه او، حال و احوال نزارش را ناشی از دریازدگی عنوان می‌کند و این درحالی است که همینگوی در زمان نوشتن این رمان کیلومترها از دریا فاصله داشته است.

اگر او تجربه زیستی در دریا را نداشت، هیچ‌گاه برایش چنین اتفاقی نمی‌افتاد. اما زمانی که چنین تجربه‌ای را دارد و در هنگام نوشتن هم غرق در کلمات و حس و حال و تصاویر داستانی می‌شود و خود را در آن فضا مجسم می‌کند، پس تداعی ذهنی آن فضا و وجود دریازدگی، نمی‌تواند چیزی دور از ذهن باشد.